

ایران و عراق نوین از منظر استراتژی ژئوپلیتیک (فرصت‌ها و چالش‌ها)

عباس علی پور*

استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

جهانگیر حیدری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

محمدحسین حاجیلو

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

جمهوری اسلامی ایران در فضای پیرامونی نزدیک خود با رکوردهایی همچون پرشماری همسایگان، تنوع حوزه‌های ژئوپلیتیک، کشورهای ناهمگن قومی و زبانی، بیشینه تولید و تجارت مواد مخدر و کنش‌های تروریستی مواجه است. در این میان عراق کشوری است که از طرفی جزئی از حوزه ژئوپلیتیک خاورمیانه عربی قلمداد می‌شود و از دیگر سو از ناهمگن‌ترین کشورهای قومی و زبانی است. اقدامات جنگ‌افروزانه مقامات سابق عراق، تداوم بی‌ثباتی‌های سیاسی، پیدایش بسترهای مساعد و مناسب زایش و کنش‌گری گروه‌های تکفیری و افراطی از مواردی است که در زمینه چالش‌آفرینی و تهدید امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. گرچه عراق دموکراتیک که در آن اکثریت شیعیان در ساختارهای قدرت حضور داشته باشند گزینه مناسبی برای امنیت ملی ایران قلمداد می‌شود، اما در صورت به چالش افتادن این گزینه و از منظر استراتژی ژئوپلیتیک سه سناریو از قرار ۱. عراق قدرتمند با رهبری دیکتاتور پایه، ۲. عراق تجزیه شده و مواجه با خلأ قدرت ۳. عراق فدرالیسم که در آن سه اقلیم شیعه، کرد و سنی بازیگر باشند قابل پیش‌بینی است؛ بنابراین، این پژوهش به دنبال دستیابی به این مهم است که کدام یک از سه سناریو پیش‌گفته می‌تواند کم‌ترین چالش و بیشترین فرصت را برای امنیت ملی ایران رقم زند؟ یافته‌های تحقیق حکایت از این امر دارد که سناریو شماره ۳ از چنین پتانسیلی برخوردار است.

واژگان کلیدی: عراق نوین، امنیت ملی ایران، استراتژی ژئوپلیتیک، فدرالیسم، فرصت‌ها و چالش‌ها

۱- مقدمه

سناریوها برای تحلیل روند گذشته و پیش‌بینی آینده کاربرد دارند و تمرکز و توجه اصلی در سناریونویسی ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته براساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۲۵۹) در طول چند دهه گذشته تحولات مهمی در خاورمیانه به وقوع پیوسته است و تغییراتی در ساختار و توازن قدرت در سطح منطقه‌ای به وجود آورده است و کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران را در معرض دگرگونی‌ها و تحولات پرشماری قرار داده است، این تغییر و تحولات با چالش‌ها و مسائل مختلفی همراه بوده است و امنیت ملی بازیگران منطقه و از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. (منتظران و قربانی، ۱۳۹۵: ۳۵۵)

در رابطه با عراق می‌توان گفت از سال ۱۹۶۰م به این سو، کانون تهدید ملموس و واقعی بیرونی ایران، عراق بوده است. روابط دو کشور از این زمان تا سال ۱۹۷۵م تیره و متشنج بود و پس از آرامش کوتاه مدت پنج‌ساله‌ای که ناشی از قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر بود، در نهایت دو کشور وارد طولانی‌ترین تجربه جنگی قرن بیستم پس از جنگ ویتنام شدند. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲) از دیگر نقاط عطفی که تاریخ سیاسی کشور عراق رقم خورده است و بر امنیت و منافع ملی ایران تأثیرگذار بوده است، مواردی چند همچون؛ جنگ اول خلیج فارس و تعریف کردن مناطقی خاص تحت عنوان پرواز ممنوع در جغرافیای سیاسی عراق، حمله ۲۰۰۳م آمریکا علیه عراق و اشغال این کشور، تصویب قانون اساسی و نظام تقریباً فدرالی در سال ۲۰۰۵، قدرت‌یابی شیعیان در ساختار سیاسی دولت عراق، آشوبناکی وضعیت پیش‌آمده از کنش‌ها و پویش‌های منطقه‌ای داعش با مرکزیت موصل و... قابل ذکرند. از دیگر جوانب نیز، در حوزه پیرامونی نزدیک ایران، تراکم و تنش‌های ژئوپلیتیک برخاسته از موقعیت نسبی ایران شایان توجه است. در فضای پیرامونی ایران شش حوزه ژئوپلیتیک متداخل (خاورمیانه عربی، قفقاز، آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند، خلیج فارس، خزر)، جغرافیای سیاسی ایران را محدود و محصور کرده‌اند، ناهمگن‌ترین کشورهای قومی و زبانی در عرصه همسایگی ایران مستقرند به صورتی که گستره قومی ایران در تمام اکناف و اطراف دارای دنباله فرامرزی است، بروز خلأ قدرت در قفقاز و عراق و سوریه و... خاصیت مکنده‌ای برای فراخوانی دخالت و نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نواحی مبتلابه بخشیده است، سازه‌های سنی، عربی، ترکی و از طرفی تجارت و تولید مواد مخدر نیز به این موارد می‌توان افزود. در چنین فضایی که جو حاکم بر آن امنیتی و نظامی و آغشته با کنش‌های مبتنی بر عدم اعتماد و اطمینان است، توسل به استراتژی ژئوپلیتیک برای بسترسازی مناسب برای برون‌رفت از این وضعیت کارساز است. بدین منظور کشور عراق به‌عنوان کشوری که بیشترین

تهدیدات را متوجه ایران ساخته و طولانی‌ترین خط مرزی با ایران را داراست برای مطالعه و بررسی براساس استراتژی ژئوپلیتیک، مورد توجه قرار گرفته است، زیرا محیط استراتژیک پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به صورتی است که کشور عراق به‌عنوان عضوی از دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه عربی از یک سو پیونددهنده ما به معادلات منطقه‌ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس مطرح است. (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸)

آنچه واضح و مشخص است عراق به واسطه وجود جمعیت اکثریت شیعه و در صورت وجود حکومتی مبتنی بر دموکراسی می‌تواند عراقی باشد که برای جمهوری اسلامی فرصت تلقی شود، اما چالش‌های سال‌های اخیر (به‌ویژه بعد از سقوط موصل توسط داعش) براساس استراتژی ژئوپلیتیک سه سناریوی دیگر برای عراق نوین قابل‌پیش‌بینی است، که دو مورد از آن‌ها تبعات تهدید پایه‌ای را برای ایران رقم خواهند زد. این دو سناریو از این قرار می‌باشند (۱). عراق قدرتمند با رهبری دیکتاتور پایه؛ ۲. عراق تجزیه‌شده و مواجه به خلأ قدرت. اما سناریو سوم فرصت پایه است و از این قرار است: (۳). عراق فدرالیسم؛ به صورتی که اقلیم شیعه، سنی و کُرد بازیگران عرصه سیاسی عراق باشند.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. در این راستا سعی شده است علاوه بر استفاده از منابع مکتوب موجود، اعم از مقالات، مجلات، سایت‌های تحلیلی و خبری معتبر، کتب و... استراتژی ژئوپلیتیک مبنای کار قرار دهد. براین اساس، تشریح وضعیت موجود، پیش‌بینی، فضاسازی و بسترسازی سیاست‌های اتخاذی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری سیاسی می‌باشند.

بدین منظور با بهره‌گیری از مفاهیم اساسی استراتژی ژئوپلیتیک، دو فرض به قرار زیر مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند:

- فرض اول چنین است که طبق استراتژی‌های ژئوپلیتیک و تشریح وضع موجود، در عراق نوین یکی از سه سناریو قدرت‌یابی، تجزیه‌شدگی و فدرالیزه در عراق به منصف ظهور خواهد رسید.
- فرض دوم از این قرار است که استراتژی ژئوپلیتیک و پیش‌بینی وضعیت آینده، استقرار سیستم حکومتی فدرالی به صورتی که عناصر شیعه، کرد و سنی نیز از اقلیم خود برخوردار شود، سناریو مناسب برای جمهوری اسلامی ایران است.

۳- مبانی و مفاهیم نظری

۳-۱- استراتژی ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک اگرچه در نوشته‌های دوران تاریخی، از ارسطو گرفته تا قرن بیستم، مورد اشاره قرار گرفته است، اما به‌عنوان یک مبحث دانشگاهی، پیشینه‌ای کوتاه دارد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۴) ژئوپلیتیک سیاست برگرفته از جغرافیا است؛ برگردان «سیاست جغرافیایی» برای این مفهوم، زیبا و درست است. البته از آغاز شکل‌گیری دانشگاهی این دانش تاکنون، یعنی از سال‌های پایانی سده نوزده، بیش از ۷۰۰ تعبیر از آن به عمل آمده است. (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۸) ولی همان‌گونه که سرتیپ هاوس هوفر، بنیان‌گذار مؤسسه ژئوپلیتیک مونیخ در تعبیری خاص از ژئوپلیتیک باورمند است: ژئوپلیتیک منطقی است جهت شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکانات جغرافیایی (C. Troll, 1949: 116). برخلاف برخی دیدگاه‌های ساده‌انگار، سیاست مدنظر ژئوپلیتیک اغلب دربرگیرنده سیاست روز، سیاست دولت‌ها و رژیم‌های چیره بر کشورها نیست؛ مگر آنکه دولت یا کابینه، استراتژی ژئوپلیتیک را در دستور کار دراز مدتش قرار داده باشد. در واقع سیاست در ژئوپلیتیک بر اساس کارآمدترین تئوری‌های این دانش از جایگاهی ۵ وجهی برخوردار است:

۱. اغلب منظور از سیاست، سیاست خارجی کشورها یا اتحادیه‌ها است نه هر سیاستی، چنان‌که در یک فرهنگ واژه‌شناسی غیرتخصصی، در تعریف این دانش آمده است: ژئوپلیتیک مطالعه نفوذ عوامل فیزیکی در مثنی و سیاست خارجی یک کشور است (آریانپور، کاشانی، ۱۳۶۳: ۳۴) هرچند در کنار کشور می‌توان اتحادیه کشورها را هم بکار گرفت.

۲. سیاست برگرفته از جغرافیا دارای بار استراتژیک است؛ چنانچه بر اساس تعریف پنتاگون و وزارت دفاع فرانسه؛ استراتژی، فن یا هنر ترکیب قدرت ملی (درب‌گیرنده شش توانمندی ملی) برای دستیابی به پیروزی بر دشمن به هنگام جنگ یا صلح دانسته شود، آنگاه ابعاد و فراخنای ژئوپلیتیک روشن‌تر می‌شود. بر این پایه و به خاطر روشن شدن گزاره پیش‌گفته، می‌توان ژئوپلیتیک را استراتژی جغرافیایی نامید. چنین تعبیری تا حدودی برطرف‌کننده و متمایز سازنده سیاست دولت‌ها و کابینه‌ها از سیاست مدنظر ژئوپلیتیک است.

۳. بر پایه بند ۲ و اصولاً بر اساس منطق ژئوپلیتیک، تنها کشورهایی که دولت‌ها و رژیم‌هایشان از استراتژی ژئوپلیتیک پیروی می‌کند، میل و گرایش به پایداری (ثبات) و امنیت دارند؛ برعکس چنانچه رویه کلی دولت یا نظام سیاسی کشوری برخلاف این استراتژی باشد، بقای ملی که هدف ماهوی و غیرقابل تغییر کشور است، تضمین شدنی نیست. این رویکرد گرچه جبری است، اما در

نهاد و بطن و متن آموزه‌های ژئوپلیتیک نهفته و گاه آشکار است. چنان‌که برخی ژئوپلیتیک را دانشی می‌پندارند که راه دستیابی به اساس جغرافیایی قدرت ملی و سرزمینی را به رهبران کشورها نشان می‌دهد

۴. از دیدگاه استراتژی ژئوپلیتیک، هر کشور یا دولت و رژیم، توانایی مشخصی داشته و شعاع عملکرد جغرافیایی آن بر پایه قدرت ملی‌اش می‌تواند در پنج رده جهانی، فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ملی جای گیرد. ایالات متحده، فرانسه، هند، عربستان و کویت، نمونه‌های خوبی برای تشخیص این پنج رده هستند. (کریمی‌پور، ۱۳۷۱: ۳۰) بنابراین، دولتی با قدرت ناحیه‌ای، شعاع کارکرد همه‌جانبه نفوذش تنها دربرگیرنده چند کشور پیرامونی است. ورود به بیرون از ناحیه به قصد برهم زدن ترتیبات منطقه‌ای بدون سازوکار مناسب برای چنین دولتی خطرناک خواهد بود. به‌عنوان مثال و بر این پایه، حداکثر توانایی عربستان سعودی برای تأثیرگذاری همه‌جانبه، تنها دربرگیرنده محدوده سرزمینی شورای همکاری خلیج (فارس) است.

۵. گروه‌ها، سازمان‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های ملی و آزادی‌بخشی که در پی تشکیل دولت ویژه خود بوده یا به تعبیری ناسیونالیسم نیمه‌تمامی دارند، اغلب از رهیافت‌ها، آموزه‌ها و رویکردهای ژئوپلیتیک سود می‌برند. در اینجا نیز سیاست، واجد مفهومی استراتژیک و درازمدت است.

۶. گستره مفهوم سیاست در ژئوپلیتیک تنها به همین موارد محدود نمی‌شود، اما به‌هرروی، این نوع سیاست نمی‌تواند خارج از بعد سرزمینی، درازمدت و راهبردی تصور شود. (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱-۸)

۲-۳- استراتژی و ژئواستراتژی

استراتژی (Strategy) از واژه یونانی استراتوگوس (Strategos) به معنای فرمانده لشکری و کشوری است، فنونی که یونانی‌ها و رومی‌ها جهت پیروزی در جنگ به کار می‌بردند و نوعی حيله نظامی بود استراتزم (Strategom) می‌گفتند و قدیم‌ترین تعریف از واژه استراتژی عبارت است از: «هنر فرماندهان در زمینه تدابیر و حيله‌های نظامی و فرماندهی جنگ» (عزتی، ۱۳۸۲: ۱) استراتژی نمی‌تواند یک فرضیه یا یک دکترین مجرد و مجزا از سایر مسائل باشد، بلکه در واقع یک طرز تفکر و اندیشیدن است که هدف آن طبقه‌بندی و سیستماتیزه کردن و به صورت کد درآوردن حرکات است که باید برحسب تقدم‌ها و ترتیب و توالی ویژه‌ای انجام شود. (بوفر، ۱۳۶۹: ۱۲۰)

موترجم‌لر نیز در تعریف ژئواستراتژی می‌گوید:

ژئواستراتژی یعنی علم و هنر پیوند فعالیت‌های مبتنی بر فاکتور سیاست، استراتژی، جغرافیا و برخورداری از این پیوند در حرکات استراتژیک نظامی است. (Karabulut, 2005: 22) دکتر حافظ‌نیا به نقل از shiva ژئواستراتژی را علم روابط ژئوپلیتیک با استراتژی دانسته و تأکید شده

است که برای طراحی نظامی و شرکت مؤثر در جنگ یا حتی فهم صحیح استراتژی و تاکتیک نظامی، آگاهی از تأثیر عوامل جغرافیایی بر عملیات نظامی ضرورت دارد. براساس این رویکرد، ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک، مناطق جغرافیایی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان به منطقه ژئواستراتژیک تعبیر کرد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۹)

۳-۳- امنیت ملی

امنیت ملی همچنان مسئله و دل‌مشغولی تمامی ملل و کشورهاست. به همین دلیل، موفقیت سیاست خارجی هر کشوری منوط به استحکام امنیت ملی آن است. طبق این دیدگاه، سیاست خارجی همیشه از منظر امنیت ملی و افق این مفهوم و ساخت اجتماعی مشخص می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش قدرت نظامی است. امنیت هر دولت می‌تواند با ناامنی دیگر کشورها تعریف شود و هر کشوری با تعریف خاص خود از امنیت ملی بر اساس امکانات و منابع موجود در چارچوب تعریفی که از امنیت منطقه دارد، می‌تواند در مقابل دیگر کشورها از خود دفاع کند. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۴۵۱) امنیت ملی یا به تعبیری منافع ملی، مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط ملهم از شرایط ژئوپلیتیک، ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در نظام بین‌الملل است که دارای دو بعد داخلی و خارجی است. (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۹) بعد داخلی یا درون‌گرا بر ایجاد نظم و آرامش، تأمین منافع عمومی و توسعه فرهنگ و تمدن تأکید دارد و بعد خارجی (برون‌گرا) ناظر بر تعیین جایگاه یک کشور در صحنه بین‌المللی است. (ساوه درودی، ۱۳۸۶: ۵۶) امنیت ملی بخشی از سیاست دولت است که هدفش ایجاد شرایط مساعد سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه است. (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) برژینسکی در تعریف این واژه می‌گوید: امنیت ملی، معنی محدود آن یعنی امنیت نظامی صرف نیست. گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی امریکا و شوروی است، اما امنیت ملی ملاحظات بیشتری را در برمی‌گیرد که زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناورانه، حیات ایدئولوژیک و... از جمله آن است. (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳) امنیت ملی نیز عبارت است از توانایی دولت و ملت در برابر ارزش‌های حیاتی خود در قبال خطر یعنی آسیب‌پذیری داخلی و تهدید خارجی، اهدافی که به‌عنوان امنیت ملی پیگیری می‌شوند عبارت‌اند از:

۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛

۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور؛

۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی؛

۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی. (کاظمی‌پور، ۱۳۷۶: ۴۶)

بر اساس نتایج حاصل از تعاریف بالا، در مجموع می‌توان امنیت ملی را خط‌مشی دفاعی، نظامی و غیرنظامی یک کشور برای بقا و استمرار ثبات و منافع ملی خود را در برابر آسیب‌های داخلی و تهدیدات خارجی با توجه به درک درست از توانمندی‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد بیان کرد. (ساوه درودی، ۱۳۸۶: ۵۶) تأمین امنیت ملی بر مبنای اصول، طراحی و برنامه‌ریزی مدیریت امنیت ملی رقم می‌خورد. در این مدیریت لزوم توجه به مباحث مرتبط با تأمین امنیت ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

۴- محیط‌شناسی پژوهش

در شاخص ساختار کشورها که عوامل تکوین و انسجام فضا و روابط بین آن‌ها را مشخص می‌سازد، عامل موقعیت جایگاه محکم و استواری را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع در نگاه ژئوپلیتیک موقعیت در بین هویت کشورها، فضاها و مکان‌ها از بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود و دیگر عوامل شدیداً تحت تأثیر موقعیت می‌باشند. (نامی، ۱۳۸۷: ۱) از این لحاظ عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه خاورمیانه است. این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به جمهوری اسلامی ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که از این میان ۱۶۰۹ کیلومتر با ایران، ۱۸۱ کیلومتر با اردن، ۲۴۰ کیلومتر با کویت، ۸۱۴ کیلومتر با عربستان سعودی، ۶۰۵ کیلومتر با کشور سوریه و ۳۵۲ کیلومتر با کشور ترکیه مرز مشترک دارد، طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع بر اساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را بین ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کنند که با این حساب کشور عراق دارای موقعیتی نسبتاً بری یا خشکی است (همان: ۳).

هیچ‌کدام از مرزهای این کشور با همسایگانش به اندازه مرز با ایران دچار تحول و دگرگونی نشده و در نتیجه اثراتش بر ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی دو کشور بیش از سایر عوامل بوده است (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۸۷). از طرفی دارا بودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن اکثر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپلیتیکی کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌سازد. (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۷) نیز روند دولت - ملت‌سازی به لحاظ تاریخی در عراق با اختلافات و چالش‌های اساسی مواجه است. این موضوع به مثابه اصلی‌ترین چالش در دوره جدید عراق است، زیرا اختلافات نظرهای مهمی در مورد ماهیت دولت عراق بین دولت شیعی - سنی

- کرد وجود دارد. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۴۳) در ارتباط با تأسیس و تولد کشور عراق نیز می‌توان گفت که نگرش‌هایی چند درباره معضل ژنتیک در زایمان دولت/کشور عراق وجود دارد؛ برخی از «دست‌ساز و مصنوعی بودن دولت در عراق» (Stansfield, 2007: 67) نام به میان می‌آورند؛ برخی، از «عراق به منزله کشور برخاسته انگلیسی‌ها پس از پایان قیومیت شان بر عراق در سال ۱۹۲۰» (Dodge, 2003: 137)، یاد می‌کنند؛ و برخی، به «یکپارچگی عراق حتی پیش از قیومیت انگلیسی‌ها و پیوندهای گسترده میان کردها و عرب‌ها در دوران پیش از تشکیل امپراتوری عثمانی» (Haj, 1997: 45)، باور دارند، اما کفه ترازو در استدلال‌های هم‌پیوند با ماهیت ژنتیک ساختار دولت‌سازی و ملت‌سازی (کشورسازی) بیشتر تقویت‌کننده هویت تصنعی و نمایشی عراق است؛ در این زمینه تاریخچه طولانی درگیری‌های بسیار خشونت‌بار قومی و نژادی و مذهبی است؛ (Baram, 1997: 11; Zubaida, 2002: 32) می‌تواند نشانه‌هایی بسیار قدرتمند را پیش چشم پژوهش‌گران نمایان سازد. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴)

اشغال عراق توسط آمریکا سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی در تاریخ فعالیت گروه‌های سلفی در عراق به شمار می‌رود که از لحاظ گستردگی و تأثیرگذاری قابل‌مقایسه با دوره‌های قبل از آن نیست. شروع فعالیت گروه‌های مسلح سلفی‌گرا مانند منظمه الجهاد، جماعه ابناء الاسلام، مجاهد و احدیثیه، مقاتلو الجهاد و بیش محمد، المجموعه السلفیه‌المجاهده، تنظیم القاعده فی بلادالرافدین، الجیش الطائف المنصره، حبیب‌المجاهدین که در این دوره پدید آمده و فعالیت خود را از مناطق سنی‌نشین عراق مانند الانبار آغاز کردند. اشغال عراق این فرصت را برای سلفی‌های بیرونی فراهم کرد که خود را در صف مقدم شورش‌های عراق قرار دهند. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) این شرایط موجب شد عراق به کانون اصلی رشد و نمو سلفی‌ها را افراطی و درنهایت به جبهه مرکزی القاعده تبدیل شود. به‌رحال کشور عراق از نظر ژئوپلیتیکی مهم‌ترین همسایه ایران است که بیشترین طول مرز مشترک ایران نیز با این کشور به طول ۱۵۸۹ کیلومتر رقم خورده است؛ این در حالی است که دو اقلیت مهم کرد و عرب ایران نیز با این کشور هم‌مرز هستند. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳) از طرفی دو کشور ایران و عراق جزء بزرگ‌ترین کشورهای جهان اسلام و همچنین بزرگ‌ترین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند، به‌گونه‌ای که در کشور ایران ۸۹ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران مذهب تشیع و در کشور عراق نیز ۷۰-۶۵ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران این مذهب تشکیل می‌دهند. درواقع، ایران و عراق اولین و دومین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند. (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۹)

۵- یافته‌های پژوهش

۱-۵- عراق قدرتمند با رهبری دیکتاتور پایه

واکاوی تاریخی قدرتمندی عراق و تأثیرات آن بر امنیت و منافع ملی ایران، به دوران امپراتوری‌های صفوی و عثمانی برمی‌گردد. در دوران امپراتوری‌ها، بین امپراتوری‌های مجاور همیشه جنگ و درگیری بوده و محدوده آن‌ها نیز با سرحداتی مشخص می‌شد. در دوران امپراتوری صفوی در ایران به رهبری شاه اسماعیل، سلطان سلیم در امپراتوری عثمانی حکومت می‌کرد و اولین تنش‌های نظامی از این زمان بین قدرت‌های صفوی و عثمانی به وجود آمد، که شاه اسماعیل برای اتحاد بیشتر به مسئله مذهب متوسل شده و مذهب رسمی کشور را تشیع اعلام کرد. جنگ‌های درگرفته میان این قدرت‌ها، ۳۰۰ سال به طول انجامید و منجر به منعقد شدن عهدنامه‌ها و پروتکل‌های متعددی بین دو کشور شد. (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۱۳) بنابراین، حتی قبل از تولد کشور عراق، تعلق این جزء به یک امپراتوری قدرتمند، برای ایران چالش‌آفرین بود. قدرتمندی و قدرت‌یابی عراق در صورتی که رهبری دیکتاتور آن قدرت را قبضه کند، با توجه به گرفتاری‌های ژئوپلیتیک عراق در عرصه‌های داخلی و خارجی، همواره منشأ یک سیاست تهاجمی به اطراف و اکناف عراق خواهد شد. نمونه این تهاجمات در حمله و تحمیل ۸ سال جنگ بر ایران، اشغال کویت، تعارض با نظام بین‌الملل و... در تاریخ سیاسی چند دهه ساله عراق مشهود است. در ادامه به چالش‌های برخاسته از چنین عراقی پرداخته می‌شود.

الف- حاکمیت سیاست خارجی تهاجمی در عراق قدرتمند

عراق به خاطر وزن سیاسی و ظرفیت بالقوه اقتصادی، نظامی و جغرافیایی‌اش، یکی از بازیگران اصلی در منطقه خاورمیانه است و از این رو، به همان میزان که از دگرگونی‌های منطقه تأثیر می‌پذیرد، خود بر آن تأثیرگذار است (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۰). آنچه در طول تاریخ یک سده گذشته عراق بیشتر جلب توجه می‌کند، رفتار خارجی تهاجمی و ستیزه‌جویانه‌اش در نیمه قرن بیستم است. (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۰) سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته همواره عامل نگرانی برای کشورهای همسایه آن و همچنین ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است. نگاهی عمیق به بحران‌های پیش‌آمده در دهه‌های اخیر مانند سه جنگ خانمان‌سوز و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعثی حاکم بر این کشور از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۳ نوعی ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران را باید در جاهای دیگری بررسی کرد. وضعیت خاص ژئوپلیتیک عراق، از جمله عواملی است که در این میان می‌تواند به‌ویژه مورد توجه قرار گیرد. موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق، از جمله

عواملی است که همواره سیاست خارجی این کشور را، به شکل‌های متفاوت، متأثر ساخته است. البته تأثیر این عامل درکنار عواملی چون ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی مختلف دچار نوساناتی بوده، ولی تقریباً همیشه به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق به حساب آمده است. وجود منابع عظیم نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از رودهای مشترک، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه مناسبی برای پدید آمدن واگرایی‌ها در داخل کشور است و شاخص‌های متعدد دیگر را می‌توان به‌عنوان ویژگی‌های ژئوپلیتیک و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش برشمرد که سیاست خارجی این کشور را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌رحال، تاریخ معاصر عراق به‌خوبی نشانگر آن است که شرایط ویژه ژئوپلیتیک عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سر کار بیاید، همواره از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور بوده است و بررسی دقیق این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در تحلیل آن یاری رساند. (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۸) به‌رحال این واقعیت در مورد عراق و سمت‌گیری سیاست خارجی آن نباید منکر شد که این کشور در لحظه تأسیس با مشکل ضعف ژئوپلیتیک متولد شد و تا لحظه‌ای که این مشکل تداوم یابد، امیدها برای توسعه و پیشرفت آن بر مبنای صلح و تفاهم با همسایگان تا حدود زیادی رنگ خواهد باخت (همان، ۱۱۹) بنابراین، سیاست خارجی عراق جدید نیز همانند دوران پادشاهی و جمهوری، تا حدود زیادی متأثر از منابع پایدار و ثابت داخلی و جغرافیایی است و ناسازگاری میان هویت و حاکمیت یا دولت و ملت، دشواری‌های ژئوپلیتیک، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی آن هستند و به‌رغم تغییر ساختار حقوقی، این عناصر و ویژگی‌ها چندان تغییری نیافته و بعید است در آینده نزدیک دگرگون شوند. (خسروی، ۱۳۸۹: ۵۹) به دلیل آنکه عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی همواره نقشی اساسی و مستقیم در سیاست خارجی کشور عراق بخصوص نسبت به همسایگان مشترک در حوزه خلیج فارس داشته است، تداوم و ثبات این شرایط اگر با یک رهبری دیکتاتور و قدرتمندی عراق بار دیگر هم‌زمان شود، چالش‌های کهنه با همسایگان دوباره پدیدار شده و در این بین بیشتر تهدید متوجه جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

ب- پیدایی ادعاهای انضمام‌گرایانه قوم‌پایه

هرچند موضوع تجزیه خوزستان و پیوند دادن آن با میان‌رودان از قرن ۱۹ مدنظر بریتانیا بود و در سال‌های ۱۳۲۹، ۱۳۲۵، ۱۳۰۳ و ۱۳۳۸ ه.ش دولت‌های عراق با پشتیبانی ضمنی بریتانیا و برخی دولت‌های عربی مانند مصر، سوریه، کویت و لیبی آنرا پیگیری کرد، اما از آغاز تکوین حزب بعث، فکر تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق به‌عنوان هدفی کلی همواره مدنظر بوده

است. در جریان جنگ هشت ساله، دولت و رسانه‌های عراق بارها به طرح این آرمان پرداختند. به نظر می‌رسد عراق در حمله به ایران دو هدف حداکثر و حداقل ارضی و مرزی داشت، هدف حداکثر آن، الحاق جلگه خوزستان به‌ویژه قلمرو عرب‌نشین آن به عراق و هدف حداقلش فسخ قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره بود. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۵) ادعای آزادسازی و الحاق‌گرایانه دولت عراق در زمان جنگ ۸ ساله، از عواملی است که موضوع بحران و جنگ بین ایران و عراق را پیچیده می‌سازد. هنگامی که عراق با عبور از مرز شط‌العرب (اروند رود) داخل استان خوزستان که اکثراً عرب‌زبان هستند شد، تصریح کرد که هدفش آزادسازی «عربستان» است. (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸) ادعای سرزمینی نسبت به استان نفت‌خیز خوزستان و اختلاف بر سر تعیین مرزهای آبی، شرایط بسیار دشواری را در روابط دو کشور ایران و عراق رقم زده است. (خسروی، ۱۳۸۸: ۷۶) براساس چنین ادعایی بود که کشور کویت به‌طورکلی اشغال شد، اما برای جلوگیری از اطاله کلام از پرداختن به این موضوع اجتناب می‌شود. براساس استراتژی ژئوپلیتیک، کشورها مطابق و همسان با توان و قدرت خود اقدام به تعریف دامنه نفوذ و کنشگری در آن عرصه می‌کنند. سوابق سیاسی و ژئوپلیتیک کشور عراق هم حاکی از آن است که قدرتمندی عراق و رهبری صدام حسین در اتخاذ راهبردها و اقداماتی همچون حمله به ایران و کویت کارساز بوده است؛ بنابراین، عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک چنین اقدامی کماکان در بدنه جغرافیای سیاسی عراق وجود داشته و اگر با قدرتمندی عراق و چیرگی یک دیکتاتور بر قدرت سیاسی هم‌زمان شود، چالش‌آفرینی‌ها بار دیگر شکل خواهد گرفت.

ج- پیوندسازی با سازه ژئوپلیتیک عربی و تلاش برای محصورسازی ایران

تلاش دولت‌ها برای فرا رفتن از مرزهای ملی خود برای پیوستن به یک اجماع بزرگ‌تر نشان‌دهنده پویایی آن دولت‌ها جهت ادامه حیات است. (کریمی پاشاکی، ۱۳۹۱: ۴۰۲) کشور عراق بعد از انقلاب اسلامی، همواره یکی از مفضل‌بندی‌های گفتمان عرب‌گرایی و به دروازه شرق عربی معروف و مشهود بوده است (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)، پشتیبانی گسترده کشورهای خلیج فارس از عراق در جریان جنگ با ایران بارزترین جلوه هم‌بستگی آن‌ها در چارچوب پدیده «قومیت عرب» بود. (حیدری‌عبدی، ۱۳۷۸: ۵۷) به نظر می‌رسد پیوندهای مشترک در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس باعث هم‌گرایی و هویت‌بخشی متمایز نسبت به ایران شده است. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴) در نگاه اعراب منطقه، عراق با حاکمیت یافتن شیعیان و کردها، از یک قدرت عربی توازن‌بخش در مقابل ایران، به کشوری تحت‌نفوذ ایران درآمده و حضور شیعیان در قدرت حاکمه عراق، توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران را افزایش داده است. از نظر آن‌ها، عراق همواره باید در مقابل و نه در کنار ایران باشد؛ چنین نگرشی موجب ایجاد اشکال در نزدیک شدن کشورهای خلیج فارس و اتخاذ سیاست‌های مشترک منطقه‌ای خواهد شد. (اکبر، بی‌تا:

۶۰) و از طرفی در صورت شکل‌گیری و پیدایش یک عراق قدرتمند با حاکمی مستبد، کنش‌های دست‌یابی به این منبع قدرت (جلب حمایت اعراب) و زنده‌سازی هویت‌خواهی و هویت‌طلبی افراطی در عراق تقویت خواهد شد. این در صورتی است که ایران در فضای پیرامون خود، قدرت بدون متحدی است. سازه‌های ترکی، عربی، سنی، هم‌پیوندی استراتژیک بازیگران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... همه حکایت از تنهایی ژئوپلیتیک ایران دارد.

د- نمود و آشکارسازی اختلافات گذشته

مسائلی اختلاف‌برانگیز همچون مسئله‌گذاری در خطوط مرزی، که عراق حتی پس از پایان بحران کویت، تمایلی به تعیین خطوط مرزی از خود نشان نداد. (رمضان‌زاده، ۱۳۸۹: ۴) اعلام رئیس‌جمهور عراق جلال طالبانی مبنی بر اینکه قرارداد ۱۹۷۵ را به رسمیت نمی‌شناسد. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۲۴) این اختلاف ریشه عمیق‌تری دارد، به طوری که صالح مهدی‌عماش، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور پیشین عراق، می‌گوید: عراق هرگز به طور جدی در مورد شط‌العرب (اروندرو) با ایران اختلاف نداشته است. شط‌العرب جزئی از خاک عراق است و در دوره قیومیت خارجی ایران ضمیمه شده و برخلاف خواست مردم عراق، اهواز نامیده می‌شود. (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۸۴) نیز اظهارات اعتراض‌آمیز مقامات عراقی مبنی بر احداث تأسیسات هسته‌ای ایران در نزدیکی مرز با عراق در فاصله هفتاد کیلومتری شهر بصره، (دارمی، ۱۳۸۸: ۵۴) عدم مذاکره در ارتباط قرارداد صلح و عدم انعقاد چنین قراردادی در روابط طرفین و دوام حالت نه صلح و جنگ (رمضان‌زاده، ۱۳۸۹: ۸)، رقابت در سازمان اوپک و وجود منابع نفتی مشترک، نقش‌آفرینی عنصر ناسیونالیسم عربی، حضور حامیان القاعده و بقایای حزب بعث و بخشی از اعراب سنی، وجود احزاب مخالف ایران همچون سازمان مجاهدین، پژاک، کومله و حزب دموکرات کردستان در عراق و... (سجادی، ۱۳۹۲: ۹۲)، از عواملی هستند که در صورت استقرار حکومتی قدرتمند و مستبد در عراق نمود و ظهور خواهند یافت، طبعاً چنین امری تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی ایران قلمداد می‌شود؛ بنابراین، تداوم اختلافات دیرینه مرزی، اختلافات اسمی بر سر خلیج فارس و شط‌العرب، ملیت، قومیت و زبان و... در روابط دو کشور ایجاد واگرایی خواهد کرد. بنا به این مسئله، ایران و عراق در زمانی که دچار ضعف در محیط داخلی و خارجی می‌شوند، نباید به هم نزدیک شوند، زیرا این نزدیکی ایجاد سوءتفاهم می‌کند در چنین فضاهایی هر نوع توافق‌نامه‌ای که امضاء شود، نباید انتظار داشت که به مصالحه واقعی و تضعیف عوامل واگرایی در درازمدت کمک کند. (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) در صورتی که یکی از طرفین از قدرت بلامنازعی برخوردار باشد، یا چنین احساسی کند، نیز رسیدن به توافق استراتژیک براساس منافع طرف مقابل، دور از ذهن است.

۵- هم‌پیوندی عنصر سنی در عراق با افراط‌گرایی

امروزه هم‌پیوندی عنصر سنی با افراط‌گرایی و القاعده‌گرایی در عرصه جغرافیای سیاسی عراق مشهود است. عقیده بر این است که سرخوردگی این عنصر در عرصه سیاسی و سیاست بعثی‌زدایی در سیستم اداری و نظامی عراق از طرفی و پیوند و ارتباط نزدیک نوری مالکی با ایران از طرف دیگر از عوامل تحریک‌کننده این وضعیت باشد. به‌کارگیری نیروهای «بعثی - تکفیری» به جای دولت اسلامی داعش، دستکم در مورد عراق درست است. در واقع این سازمان چریکی تا جایی که به عراق برگردد، نیروی انسانی خود را از چهار منبع سرشار اخذ می‌کند. (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲):

الف) سربازان، درجه‌داران و فرماندهان برکنار شده ارتش صدام به‌ویژه بعثی‌ها؛ به‌عنوان مثال به دلیل آنکه یکی از چالش‌های انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۰، ممنوعیت شرکت نامزدهای بعثی در انتخابات از سوی هیئت بازخواست و عدالت (بعثی‌زدایی سابق) بود، ناراضی‌گروه‌های سنی را در پی داشت. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۳) چنین عواملی موجب سرخوردگی و فراهم‌سازی شرایط برای عضوگیری داعش را آسان کرد.

ب) قبایل و طوایف سنی استان‌های نینوا، صلاح‌الدین، الانبار و دیگر استان‌های عراق؛ گواه این مدعا آن است که عربستان که از بازی‌گردانان داعش بوده است به دلیل نفوذ در قبائل سنی عراق و کنترل عشایر مرزنشین این کشور، توانسته است تا حد زیادی در معادلات کشور عراق وارد شود و از این طریق، فشار به دولت مرکزی برای اعطای بخشی از قدرت به سنی‌ها در سیاست منطقه‌ای خود در سرلوحه داشته باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۲) قبایل و طوایف سنی از چنین پتانسیلی برخوردار بوده و زمینه‌های پشتیبانی درونی از جریانی بر ضد حکومت مرکزی و شیعی عراق از فروپاشی نظام بعثی تا به امروز وجود داشته است.

ج) افراد ناراضی و سرخورده از دوره حاکمیت نخست‌وزیری مالکی و زندانیان فراری؛ آنچه در پیشروی سریع نیروهای داعش نباید نادیده گرفته شود، نبود انگیزه مقاومت میان نیروهای ارتش در شهرهایی است که مورد هجوم قرار گرفتند. شکست ارتش چند ده‌هزار نفری عراق در برابر گروهی شبه‌نظامی که پیشینه جنگ منظم نداشته و اندازه کل نیروهایش به اندازه نیروهای ارتش در شهر موصل هم نمی‌رسد، نشان داد که بافت اجتماعی این ارتش چندان با سیاست‌های نوری مالکی، نخست‌وزیر وقت عراق، موافق نیست. (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰) چنین وضعیتی حکایت از این دارد که با توجه به دشمنی‌های پیدا و پنهان عنصر سنی در قالب‌های پرشمار ایدئولوژیکی، هویتی، تاریخی و... با نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران، در صورت ظهور

نظامی قدرتمند و مستبد با چیرگی عنصر سنی در ساختار سیاسی آن، چنین هم‌پیوندی و ارتباطی را برای مقابله کارساز با ایران تعمیق خواهد بخشید.

۲-۵- چالش‌های برخاسته از عراق تجزیه‌شده

الف- تهدید تمامیت ارضی ایران

استقرار یک نظام فدرالی به تمام معنا در کشور عراق، تهدیدی برای ایران نیست، بلکه یک دگرذیسی و تحول مثبت در عرصه همسایگی ایران است که تبعات مثبتی نیز خواهد داشت. تبعات و تأثیراتی همچون رونق بازارچه‌های مرزی، پیدایش و تقدم استراتژی‌های توسعه محور نسبت به استراتژی‌های امنیت محور... از این دست است، اما در صورتی که کشور عراق دچار فروپاشی شود و کشورهای (عربی - شیعی، عربی - سنی، کردستان) بر بقایای آن بنا شود، در آن صورت چالش‌هایی متوجه ایران خواهد شد که تهدید تمامیت ارضی ایران از آن دست است. بدین منظور که پیوستگی فضایی و گستره فرامرزی اقوام کرد و عرب در غرب و جنوب غرب کشور با دولت‌های تازه تأسیس، احتمال افزایش مطالباتی تجزیه‌طلبانه برای الحاق به کشورهای تازه تأسیس وجود خواهد داشت.

ب- ایجاد گسست سیاسی در روابط شیعیان عراق و ایران

جلوگیری از تجزیه عراق یکی از اهداف شیعیان در عرصه داخلی است، زیرا این گروه به دلیل آنکه دست‌کم ۶۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل داده و بر جغرافیای ثروت این کشور تسلط دارند، به صورت دموکراتیک و از طریق مکانیزم‌های انتخاباتی توان دستیابی به قدرت سیاسی را دارا می‌باشند؛ بنابراین، به دلایل مشخص استراتژیک و ژئوپلیتیک نیز، تجزیه این کشور برای اهل تشیع گزینه‌ای قابل قبول نیست. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۲) از طرفی پیوندهای ایدئولوژیکی قدرتمندی شیعیان عراق و حکومت ایران را به هم وابسته کرده است. از تحولات مهم در عراق جابه‌جایی نقش بازیگران بوده است که از زمان آغاز بحران، به هم ریزی ساخت سنتی قدرت و سیاست (حکومت اقلیت سنی) و جایگزینی آن با یک نظام جدید (حکومت اکثریت شیعی) تحولات سیاسی و امنیتی گسترده‌ای را در سطح داخلی و منطقه داشته است (برزگر، ۱۳۸۵: ۲۸) قبل از سال ۲۰۰۳ در عراق حضور مسلط قومیت سنی تبار تنش و بی‌ثباتی در صحنه داخلی آن کشور ایجاد کرده بود که حاصل آن سرکوب گروه‌های سیاسی دیگر چون شیعیان کردها و ایجاد فضای وحشت و ترور بود. (همان، ۴۰) اما امروزه چنین فضایی محو شده و اکثریت شیعه چشم بر حمایت ایران از تمامیت ارضی عراق دوخته است. در صورتی که برخلاف این امر اتفاقی بیفتد و کشور عراق متلاشی و تجزیه شود، حکومت نوپای عربی - شیعه، به شدت از حکومت ایران

ناراضی شده و فضای بی‌اعتمادی بر روابط طرفین حاکم خواهد شد. چنین امری کشور احتمالی شیعه - عربی را به سمت شورای همکاری خلیج فارس و به‌خصوص کویت سوق خواهد داد.

ج- خزش اسرائیل در دولت‌های کوچک ناشی از تجزیه عراق

صهیونیست‌ها مدعی هستند که خداوند به یهود به‌عنوان قوم برگزیده وعده حاکمیت بر تمامی مناطق واقع میان منطقه مصر وادی العریش، شط بزرگ «شط فرات» را داده است. بگین معتقد بود سرزمینی را که خداوند به یهود وعده داده، از رود نیل تا فرات گسترده است و خواستار یاری امریکا برای تسلط بر این مناطق بود. از این رو این آرمان همواره در رأس برنامه‌های رهبران اسرائیل قرار داشته است و امروز حضور آن‌ها در منطقه خاورمیانه با اندیشه تصاحب سرزمین بین‌النهرین به‌عنوان یک هدف استراتژیک در طرح‌های صهیونیسم تلقی می‌شود. (کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۴) بنابراین، خاورمیانه مطلوب از نظر اسرائیل، کشورهای کوچک و درگیر در مسائل و بحران‌های داخلی است. در این راستا، تجزیه عراق بدون شک تبعات وسیع و عمیقی در ترتیبات امنیتی و سیاسی منطقه خواهد داشت. همان‌طور که تجربه فروپاشی شوروی و ظهور بازیگران نوپای آسیای مرکزی و قفقاز آشکار می‌سازد، اولین اثر تجزیه در منطقه‌ای همچون خاورمیانه عربی که فاقد یک قطب قدرتی است، شکل‌گیری یک خلأ قدرت در منطقه است.

چنین خلأیی زمینه‌ساز گسترش رقابت میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای گسترش نفوذ در منطقه خواهد بود. یکی از این بازیگران نفوذی مخرب، اسرائیل است. این بازیگر در کشور احتمالی کردستان، نفوذ خواهد کرد و آنجا را هارتلند ژئوپلیتیکی خود در مرکز خاورمیانه قرار خواهد داد. با این اقدام گامی به طرح‌های راهبردی و شعارهای خویش که همان «اسرائیل بزرگ» یا ایده «از نیل تا فرات» نزدیک‌تر می‌شود. از طرفی، همان‌طور که ایران از طریق حماس و حزب‌الله به مرزهای اسرائیل دسترسی دارد، اسرائیل نیز از طریق نیروهای تجزیه‌طلب ایرانی و سازمان‌دهی آن‌ها در نوار مرزی ایران دست به تلافی خواهد زد. نیز ارتباطی جغرافیایی و فیزیکی بین سازمان و تجهیزات جاسوسی اسرائیل در آذربایجان در شمال و شمال غرب ایران؛ با شرایط پیش‌آمده در غرب ایران شکل خواهد گرفت. چنین سناریویی محدودساز دامنه نفوذ ایران و تهدیدساز منافع و امنیت ملی ایران خواهد بود. امروزه نیز حضور و فعالیت اسرائیل در مناطق شمالی و کردستان عراق، در راستای تحقق اهداف استراتژیکی، و منافع ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن تنظیم شده است. در واقع، مسئله کردها و آرمان آن‌ها برای کسب استقلال و خودمختاری، مناسب‌ترین وسیله یا بهانه را برای اسرائیل در دستیابی به اهداف راهبردی آن در این منطقه فراهم می‌سازند. (اخوان‌کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) در واقع اختلافات قومی، مذهبی و فرقه‌ای بهترین فرصت را برای غرب و اسرائیل فراهم کرده

است که این کشورها به چند برابر تجزیه شوند؛ بنابراین، منطقه را باید بر اساس قومی - دینی و فرقه‌ای به کشورهای کوچک تقسیم کرد. در قالب این رویکرد، عراق به سه کشور کوچک از قرار ۱. کشور کوچک کردی در شمال؛ ۲. کشور کوچک سنی در وسط و ۳. کشور کوچک شیعه در جنوب، قابل تجزیه است. (محمدی و الغبان، ۱۳۹۴: ۶)

د- کامیابی طرح‌های مبتنی بر مداخلات خارجی تجزیه‌طلبانه

وجود طرح‌های مداخله‌جویانه تجزیه‌طلبانه بسیاری نظیر خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید و اتفاقات و نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی اخیر در عراق، نشانه‌ای از احتمال ایجاد تغییر و تحول در ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی عراق است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید بر آن باشد، با یک ارزیابی صحیح و رصد مداوم تحولات ژئوپلیتیک عراق و تمامیت ارضی این کشور، پیش‌بینی‌ها و تمهیدات لازم را از تئوری‌ها و طرح‌هایی که مرتبط با تمامیت ارضی و تجزیه کشورهای منطقه به خصوص عراق هستند، داشته باشد. (منتظران و قربانی، ۱۳۹۵: ۳۵۵)

به‌رغم برخی امیدواری‌ها برای تبدیل شدن تدریجی عراق به کشوری باثبات و قدرتمند در دوره پس از صدام، این کشور در طول سال‌های پس از ۲۰۰۳ نیز با گستره وسیعی از چالش‌ها و بحران‌ها روبرو شد. حضور همه‌جانبه آمریکا در عراق، مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در عراق، پیدایش گروه‌های شورشی مسلح و تروریستی، مشکلات سیاسی و بوروکراتیک ناشی از نظام پارلمانی توافقی و مبتنی بر سهمیه‌بندی قومی و مذهبی، گرایش‌های واگرایانه کردها در قبال دولت مرکزی و نوستالژی بخشی از سنی‌های عراق برای بازگشت به دوره بعث از مهم‌ترین عواملی بودند که به بحران‌های متعددی در این کشور دامن زدند. در کنار این عوامل بسترهایی برای مداخلات خارجی نیز امروزه فراهم شده است. این عوامل را می‌توان از قرار تحولات جدیدی مانند منازعه سوریه و سرریز آن به کشور عراق، پیدایش داعش و قدرت‌یابی آن در جغرافیای سیاسی کشور عراق، شکل‌گیری اعتراض‌های مردمی و تعارضات احتمالی بین کردها و دولت مرکزی عراق بر سر مناطقی که به‌تازگی از دست داعش آزاد شده است، دسته‌بندی کرد. این عوامل می‌توانند در وهله اول کشور عراق را با خطر تجزیه مواجه ساخته و بسترهای خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ که براساس معادلات و محاسبات امنیتی قدرت‌های غربی و بخصوص آمریکا است را مهیا سازد. طبعاً در چنین شرایطی اولویت‌ها و مطالبات امنیتی ایران در عرصه منطقه‌ای، نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال در طرح خاورمیانه بزرگ، عراق نیز به‌عنوان یکی از کشورهای هدف در طرح امریکایی صهیونیستی مدنظر است. ایالات متحده جهت اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در کشور عراق از شکاف‌هایی درون این کشور بهره می‌برد تا به اهداف مورد نظر خور برسد. (غریب‌زندی، ۱۳۸۹: ۱۴) بر این اساس بهره‌مندی از شکاف قومی - نژادی و مذهبی در عراق به‌عنوان گام اول اجرای طرح

خاورمیانه بزرگ در این کشور است که با دولت ملت‌سازی‌های نوین آغاز طرح در عراق کلید می‌خورد.

۳-۵- فرصت‌های برآمده از عراق فدرالیسم

الف- تقسیم قدرت در عرصه داخلی عراق

یکی از مهم‌ترین ویژگی ساختار جدید دولت عراق فدرالی بودن آن است که باعث تقسیم‌شدن مسئولیت‌ها و اختیارات دولت و کاهش وظایف و قدرت دولت مرکزی می‌شود و ساختار جدید دارای تأثیرات چندگانه داخلی و خارجی خواهد بود و از منظر داخلی باعث افزایش قدرت مانور و فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی گروه‌های داخلی عراق می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۵۱) ایجاد نظام فدرال در عراق و قانونمند ساختن آن در قالب قانون اساسی، به معنای خودمختاری گروه‌های قومی - مذهبی در قالب عراق فدرال، و ایجاد زمینه‌های لازم برای بروز ارزش‌ها و عناصر فرهنگی، قومی و مذهبی آن‌هاست که به کاهش کنترل گروه‌های اجتماعی توسط دولت مرکزی و خودمختاری و آزادی ایجاد نظام فدرال در عمل قابل توجه آن‌ها می‌انجامد. در حال حاضر نیز قانون اساسی جدید عراق، فدرالیسم را پذیرفته است. (تاج‌آبادی و دهنوی، ۱۳۹۳: ۳۰) تقسیم عادلانه و حتی الامکان دموکراتیک قدرت که کمابیش پس از سقوط عملی شده است و از خواست‌های شیعیان و کردهای عراق نیز است، برای مهار عنصر سنی کارساز است، به همین دلیل است که حفظ این شکل تسهیم و ممانعت از ظهور دیکتاتوری (سنی مذهب) چون صدام، از مهم‌ترین اهداف شیعیان است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۲) از طرفی، یکی از مکانیزم‌هایی که ممکن است در عرصه جغرافیای سیاسی عراق، منجر به قدرتمندی استبدادگرایانه شود، قدرت‌یابی شیعیان یا ائتلاف شیعیان عرب و سنی‌های عرب و موضوع دموکراسی اکثریتی باشد. این در حالی است که فدرالیسم نوعی سازوکار تعدیل‌کننده و توازن‌بخش در برابر راهکار دموکراسی اکثریتی است. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۸۶) به عبارت دیگر، تجمیع فدرالیسم و راهکارهای دموکراسی می‌تواند تعادل و کثرت قومیتی هویت عراقی را تضمین کند و استبداد اکثریت یا اقلیت (همانطور که در زمان بعثی‌ها استبداد اقلیت در عراق رایج بود)، را با بن‌بست مواجه کند.

ب- هم‌سویی اقلیم کرد و شیعه با ایران

در صورتی که اقلیم سه‌گانه‌ای (شیعه، کرد و سنی)، در نظام فدرالی عراق نقش‌آفرینی کنند، اقلیم شیعه به دلایل ایدئولوژی و پیوستگی جغرافیایی و از جهتی وابستگی ژئوپلیتیک، برای رقابت در یارگرینی با دیگر اقلیم به ایران نزدیک‌تر می‌شود. از طرفی اقلیم کرد نیز به دلایل نژادی - قومی، پیوستگی جغرافیایی و تاریخی، هم‌جواری با مناطق کردنشین ایران و احساس خفگی استراتژیک

و ژئوپلیتیک برای رقابت با دیگر اقلیم (شیعه و سنی) به ایران نزدیک ترمی شود. بدین دلیل فضای استراتژیک برای حضور مشروع ایران در صحنه سیاسی عراق فراخ ترمی شود. در دیگر سو اقلیم سنی، که در طول تاریخ سیاسی کوتاه عراق، بیشترین دشمنی با ایران داشته است و در این فرایند دشمنی از حمایت سازه عربی و سنی محاصره‌ساز ایران بهره جسته است، هرچه بیشتر منزوی تر و از طریق لایه‌های کردی و شیعه، فاقد پیوستگی و هم‌جواری با ایران می‌شود.

در اظهارات مقامات کرد عراقی همواره کشش‌هایی به سمت و سوی ایران وجود داشته است. به‌عنوان مثال یکی از مقام‌های حزب اتحادیه میهنی کردستان گفت: «ما نه می‌توانیم ایران را نادیده بگیریم و نه می‌توانیم با آن‌ها دشمنی داشته باشیم.» در گذشته که همه علیه ما بودند آن‌ها به ما کمک کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم هیچ مشکلی با ایران داشته باشیم. از سوی دیگر، آن‌ها نشان دادند که نیت خوب ایران نسبت به کردها را درک کرده‌اند که براساس انتظاری است مبنی بر اینکه کردهای عراق برای استقلال خود فشار نیاورند و همتایان کرد خود در ایران را برای فشار جهت استقلال بیشتر تحریک نکنند. (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۵۳) اظهارات مقامات اقلیم کردستان در جریان بحران‌های ناشی از کنش‌های داعش نیز قابل توجه است. اظهارات مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان در کنفرانس خبری مشترک با وزیر امور خارجه ایران مبنی بر اینکه ایران جزء نخستین کشورهای بوده است که به نیروهای پیش‌مرگ برای مبارزه با داعش سلاح داده است، و اظهارات هلگورد حکمت، سخنگوی وزارت پیش‌مرگ کردستان: دال بر اینکه «دولت ایران آشکارا از نیروهای کرد دفاع کرده و برای ارائه حمایت بیش‌تر از آنان نیز از خود تمایل نشان داده است. و اقدام رئیس اقلیم کردستان در ارسال نامه‌ای تشکرآمیز برای دولت ایران» (www.presstv.ir) حکایت از پتانسیل‌های ارتباطی بالای اقلیم کردستان با حکومت ایران دارد. چنین پتانسیلی می‌تواند منجر به خنثی‌سازی و منفعل‌سازی عنصر سنی در ایران باشد.

در ارتباط با شیعیان نیز می‌توان به مواردی همچون ژئوپلیتیک شیعه، پیشینه تاریخی و نقش مراجع تقلید دو کشور و حوزه‌های علمیه قم و نجف اشرف در نزدیکی هرچه بیشتر ایران و اقلیم شیعه اشاره کرد. عراق در همسایگی غربی ایران بیشترین مرز مشترک جغرافیایی و بالاترین اشتراکات فرهنگی را بین کشورهای همسایه با ایران دارد. یکی از اشتراکات اصلی دو کشور وجود اکثریت جمعی شیعی مذهب است که همواره به‌عنوان عاملی مهم و تعیین‌کننده در روابط دوجانبه و معادلات منطقه‌ای حائز اهمیت بوده است. بین پانزده کشور همسایه ایران، عراق به دلیل پیوندهای نهادینه‌شده تاریخی و مذهبی، در کانون بیشترین علایق ایرانیان قرار دارد. ایرانیان دلایل محکمی برای استمرار علایق خود و حفظ تعامل فرهنگی، مذهبی و سیاسی با عراق دارند. (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۹۴-۱۹۳) علایق فرهنگی و مذهبی ایرانی‌ها نسبت به عراق تا حد زیادی نهادینه شده است تعاملات تاریخی باعث احساسات عمیق‌تر نسبت به مراکز مذهبی و شیعیان عراق شده

است و نهادینگی علایق و پیوندهای فرهنگی بین دو ملت ایران و عراق تا اندازه‌ای است که حتی وقوع جنگ ۸ ساله بین دو کشور باعث خصومت ذاتی بین دو ملت نشد. (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) در ارتباط با پیوستگی‌های تاریخی شیعیان ایران و عراق و انگیزه‌های تعمیق این ارتباط در شرایط کنونی عراق و منطقه، می‌توان کتاب‌ها نوشت؛ بنابراین، در این نوشتار مجال پرداختن به آن به‌طور مفصل وجود ندارد، اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بر اثر ظهور و بروز اقلیم سه‌گانه در عراق، بنا به دلایل پرشمار، اقلیم کرد و شیعه بیشترین همگرایی با ایران را خواهند داشت، این امر در منزوی ساختن عنصر ضد ایرانی سنی کارساز خواهد بود، زیرا در داخل عراق، شیعیان که مانند کردها در گذشته سهمی از قدرت نداشتند، متحدان طبیعی کرده به حساب می‌آیند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۱) و این دو بازیگر متحد داخلی، به‌طور طبیعی از متحدان ایران به حساب می‌آیند.

ج- ضعف اقتصادی اقلیم سنی و کاهش توان بازیگری آن

کردها قریب به ۲۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در نواحی شمال و شمال شرق عراق ساکن‌اند و این نواحی، بخش مهمی از مناطق نفت‌خیز این کشور را شامل می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۹) محل سکونت شیعیان نیز اغلب نواحی جنوبی و مرکزی عراق است که از لحاظ استعداد زراعی و منابع نفتی بسیار غنی است. (همان، ۴۲) تنها ذخایر نفتی استان بصره، حدود ۲۰ درصد ذخایر نفتی خاورمیانه است. تبدیل این استان به منطقه فدرالی از دید قائلان به آن با هدف توسعه مناطق شیعی‌نشین به‌گونه‌ای همگام و متوازن با مناطق کردی در شمال است و یکی از راهکارهای تعادل قومیتی در این کشور به شمار می‌رود. درعین‌حال، گسترش حرکت‌های شیعی در مرزهای شرقی عربستان، و تحول منطق بازی‌ها به نفع ایران از دید سعودی‌ها قابل‌پذیرش نیست. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۷) زیرا در این فرایند هم عنصر سنی هم‌راستا با سعودی‌ها از نظر سیاسی منزوی و از نظر اقتصادی تضعیف می‌شود و هم احتمال گسترش چنین سیستمی به عربستان وجود دارد.

نیز شایان ذکر است که بصره به علت نقش بندری‌اش در شرق، بیشتر به سمت خلیج فارس و شبه‌قاره هند می‌نگرد. در دهه ۱۹۷۰، نواحی جنوبی اطراف بصره اهمیت بیشتری در حیات اقتصادی عراق پیدا کرد. چاه نفتی رمیله و لوله نفتی که بصره را به کرکوک ارتباط می‌دهد در این منطقه قرار دارد. (عزتی، ۱۳۸۱: ۳۶) بیشتر نفت عراق از میدان‌های نفتی بصره و میدان‌های بصره و میدان‌های نفت جنوب غربی کرکوک استخراج می‌شود. نیز بهترین محصول شناخته‌شده عراق و بزرگ‌ترین منبع ارزی کشور بعد از نفت، خرماست که عراق یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آن در جهان است. خرما به‌طور عمده در مناطق جنوبی و در اطراف شط‌العرب به دست می‌آید. (همان، ۳۸) علت اهمیت کردستان نیز در ادوار اخیر وجود منابع نفت و آب آن است که از جنگ

جهانی دوم به بعد اهمیتی بسزا یافته‌اند، هیچ کشوری به طیب خاطر، نظارت بر چاه‌های نفت واقع در مناطق رومیلان (سوریه) و باتمان و سیلوان (ترکیه)، خانقین و کرکوک (عراق) و... را به دیگران نخواهد سپرد؛ بنابراین، با توجه به منابع نفتی عمده‌ای که در کردستان وجود دارد و به‌طور خلاصه عبارت‌اند: از منابع نفت ایران در غرب آن (نفت شهر) نفت شمال عراق (کرکوک) نفت سوریه (دریک) و ترکیه (کولیک و نسین) در کردستان قرار دارد. و بدین لحاظ از نظر ژئوپلیتیک انرژی کردستان اهمیت فوق‌العاده دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۸) بخش‌هایی از جنوب کردستان که شامل منطقه نفت خیز کرکوک و سرزمین‌های اطراف آن است در زمره بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ قرار دارد که چیزی در حدود ۵۰ درصد ذخایر انرژی کشور عراق را در بر می‌گیرد. امروزه دولت اقلیم کردستان از نظر وضعیت منابع انرژی و توان ژئوپلیتیکی انرژی وضعیتی متناسب و در خور توجه در خاورمیانه دارا است. به گفته «آشتی هورامی» وزیر منابع طبیعی اقلیم کردستان: این اقلیم دارای تولیدی در سطح ۲۵۰ هزار بشکه در روز است و تا پایان سال ۲۰۱۵ به یک میلیون بشکه و تا سال ۲۰۱۹ به دو میلیون بشکه در روز خواهد رسید. همچنین هم‌اکنون یک خط لوله نفتی کرکوک-جیهان، نفت اقلیم کردستان را به ترکیه می‌فرستد. و خط لوله جدیدی که شرکت گنٹل انرژی در حال احداث آن است نیز به خط لوله کرکوک-جیهان متصل خواهد شد؛ بنابراین، توان اقتصادی اقلیم شیعه و اقلیم کردی، به صورت طبیعی و ماهوی منزوی‌ساز عنصر سنی در عرصه سیاسی عراق است.

د- قدرت‌یابی مشروع شیعیان و انزوای عربستان به‌عنوان رقیب ژئوپلیتیک ایران

به دلیل آنکه احیای شیعی در عراق باعث تغییر موازنه قدرت بین سنی‌ها و شیعیان شده است. (مرادیان، ۱۳۹۰: ۴۰) استقرار یک فدرال قوی و مستقل شیعی در عراق از پتانسیل تأثیرگذاری بر شیعیان عربستان و بخصوص بحرین برخوردار است چنین امری باعث فعال شدن و تسریع در فرایند احقاق حق شیعیان در فضای پیرامونی و مرزی ایران می‌شود. چنین امری می‌تواند منجر به تحمیل شرایط انزواساز بر عربستان شود. این در صورتی است که دو کشور ایران و عربستان مهم‌ترین بازیگران (البته با برتری ایران)، در حوزه خلیج فارس به شمار می‌آیند و از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه‌اند. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۲: ۵۵) عربستان در جریان برکناری و حذف حکومت طالبان به‌شدت متضرر شد، زیرا طالبان با پشتیبانی عربستان، امارات متحده عربی و پاکستان پا گرفت و قدرت یافت؛ بنابراین، هزینه‌های سیاسی، تأسیس مدارس و تأمین هزینه‌های جنگ و خرید جنگ‌افزار برای طالبان بر باد رفت. از طرف دیگر به‌زعم سعودی‌ها، ایدئولوژی سکولار بعثی عراق که با جمهوری اسلامی همخوانی نداشت، و نیز دولت بعثی عراق که یکی از نیرومندترین ارتش‌های عربی را در اختیار داشت، مانع بزرگی برای آنچه ترویج ایدئولوژی انقلابی شیعیان قلمداد می‌شد، به شمار می‌آمد. (همان، ۶۶) چنین مانعی نیز امروزه وجود خارجی

ندارد، اما در صورت بروز خلأ قدرت، تجزیه عراق یا شکل‌گیری حکومتی مستبد و قدرتمند در عراق، نوسازی بسترهای پیوندساز با عربستان از جانب این حکومت احتمالی حتمی است، اما اگر یک فدرالیسم واقعی در عراق ظهور کند، تحت تأثیر چنین امری که بر شیعیان بحرین و عربستان بازتاب خواهد داشت، نه تنها منافذ نفوذ عربستان در عراق محدود می‌شود، بلکه حالت و وضعیتی پدافندی بر آن نیز تحمیل خواهد شد.

۵- چیرگی خصلت صلح‌طلبی در سیاست خارجی عراق فدرال

همانطور که تاریخ سیاسی عراق و کنش‌های ژئوپلیتیک عراق نشان می‌دهد، گرفتاری‌های ژئوپلیتیک این کشور همواره تابلوی راهنمای سیاست خارجی تهاجمی عراق بوده است. این منجر به چند جنگ منطقه‌ای و تداوم بی‌ثباتی سیاسی در عرصه جغرافیای سیاسی این کشور بوده است. سیر گسترشی چنین بحران‌های نشأت‌گرفته از عراق، امروزه در قالب فعالیت گروه‌های تروریستی مشهود است و مدعای آن کنشگری داعش است. به‌طور خلاصه در هر برهه‌ای قدرتمندی با گرفتاری‌های ژئوپلیتیک عراق هم‌زمان شود، نمود آن در اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی بروز و ظهور خواهد کرد.

توصیه ژئوپلیتیک نوین به سیاست خارجی کشورها آن است که ضمن درک محدودیت‌ها و امکانات، پیگیری منافع و امنیت آن‌ها جز در حالتی از همکاری تأمین نخواهد شد و کشورها با شناخت جایگاه جدید و بازیگران بین‌الملل و توجه به قواعد بازی و درک همسویی استراتژیک و تاکتیکی، الگوی تعامل و رقابت که مبتنی بر دیپلماسی دینامیک است در راستای منافع خود قرار دهند. (عزتی و نانوا، ۱۳۹۲: ۱۲) اما چنانچه یک نظام فدرالی سه اقلیمی بر عراق حاکم شود، به علت بروز تقسیم و توازن قدرت در عرصه داخلی قدرت عراق، تمرکز قدرتی به‌عنوان موتور محرکه سیاست خارجی تهاجمی وجود نخواهد داشت. نیز هرکدام از اقلیم سه‌گانه، برای مرتفع‌سازی معضلات اقتصادی و عقب‌نماندن از قافله رقابت و همکاری رقابت‌جویانه در قبال همسایگان خود رویکردی صلح‌طلبانه اتخاذ خواهد کرد، زیرا در صورت اقدام به کنش تهاجمی از تمرکز قدرت برخوردار نیست و در صورت تلاش برای ایجاد و تمرکز قدرت در عرصه داخلی از توان اجماع‌سازی بی‌بهره است. عوامل فرهنگی و تاریخی مشترک، تشابهات قومی و مذهبی، معضلات و نیازهای متقابل و... هرکدام از اقلیم را مجبور به اتخاذ رویکرد صلح‌طلبانه در عرصه خارجی خواهد کرد.

و- فدرالیسم سه اقلیمی ضامن و مانع تجزیه عراق

در سطور پیش‌گفته به این مهم اشاره شد که تجزیه کشور عراق، تبعات و آثار مخربی بر امنیت ملی ایران خواهد گذاشت. شایان ذکر است هزینه‌هایی که از این بابت متوجه امنیت ایران خواهد شد، عمیق و گزاف می‌باشند. اهمیت آن بدان حد است که یکپارچگی سرزمینی ایران به‌عنوان عالی‌ترین موضوع امنیت ملی و منافع به خطر خواهد افتاد. در این میان فدرالیسم سه اقلیمی ضامنی برای بقای یکپارچگی عراق و مانعی در مقابل تجزیه این کشور است، زیرا تلاش برای واقعیات تاریخی و وقایع رخ داده شده، در یک کشور و در یک دوره معین نیازمند شناخت محتوا و کیفیت ساختار سیاسی - اداری و ترسیم خطوط فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در آن جامعه است و در جهان سیاسی نو در محیط ژئوپلیتیک دگرگون‌شده جهانی که همراه با گسترش سریع اطلاع‌رسانی و ارتباطات و همگام با جهانی شدن نظام اقتصادی و فزونی یافتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی و سرعت بخشیدن به آرمان‌های میهن‌گرایی و استقلال‌خواهی است، فدرالیسم می‌تواند گامی مؤثر در جهت جلوگیری از تجزیه سرزمینی شود. (عزتی و نانو، ۱۳۹۰: ۱۱)

ز- مهار و انزوای ایده افراطی پان‌عربیسم

اقلیت‌های قومی یا مذهبی که در حاشیه کشورها مستقرند چنانچه از اندازه و وزن ژئوپلیتیک کافی برخوردار باشند و عوامل بیرونی نیز به آن‌ها کمک کند، می‌تواند منشأ تنش با کشور مادر باشند و بر روابط آن با کشورهای محرک یا پشتیبان خود تأثیر منفی بگذارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۸) بنابراین، در استراتژی ژئوپلیتیک به صورت سنی از اهرم فشار قومیت‌ها و اقلیت‌ها، علیه کشور رقیب استفاده شده است که می‌توان آن را رویکرد ژئوپلیتیک قوم محور نام نهاد. پان‌عربیسم و گسترش آن پس از فروپاشی عثمانی به دلیل پیوستگی با جمعیت عرب‌های سنی غالب در خاورمیانه منجر به تداوم حاکمیت گروه عرب سنی عراق بوده است. این اقلیت مذهبی در دولت عثمانی وظیفه‌شان ایجاد اثبات در ایالت‌های کردنشین موصل و شیعه‌نشین بصره و نیز مقابله با نفوذ نیروهای ایرانی که در تقویت عناصر ناراضی ساکنان این دو ایالت علیه حاکمان بغداد در دولت عثمانی نقش اساسی را برعهده داشتند و اینان از مزایای رفاه بیشتر و تشکل اجتماعی قوی‌تر برخوردار بودند. (عزتی و نانو، ۱۳۹۰: ۱۳) در برهه زمانی قبل از ۲۰۰۳ نیز، کنشگران سنی با پیوند کنش‌های خود با ایده‌های قوم محور پان‌عربیسم، خود را جبهه مقدم اعراب علیه ایران قلمداد می‌کردند، اما در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به رقابت و همکاری میل کرده است. عراق جدید در قالب یک نظام فدرالی، همانند گذشته یک تهدید نظامی برای جمهوری اسلامی نیست.

نتیجه گیری

در چشم انداز سناریوهای قابل پیش بینی در ارتباط با تمامیت ارضی، نوع نظام سیاسی مستقر در عراق آینده و چگونگی ترکیب نیروها و کنشگران قومی و مذهبی در عرصه های سیاسی عراق، باید اذعان کرد که با توجه به تراکم تهدیدهای ژئوپلیتیک در عرصه پیرامونی نزدیک ایران، سناریوهای مبتنی بر تجزیه عراق و بروز عراقی قدرتمند با نظامی دیکتاتور پایه، مزایا و دستاوردهای قابل بحث و مثبتی برای ایران نخواهد داشت.

جمهوری اسلامی ایران دارای منافع ملموس و جاری در عراق جدید است و تنها در شرایط وجود یک کشور با ثبات است که زمینه های بالقوه فرصت سازی در حوزه سیاست خارجی ایران فراهم می شود. عراقی که در مناطق سنی نشین با خلأ قدرت مواجه باشد و در چنین خلأیی نطفه های ناآرامی و بحران شکل گرفته و به فضای ملی آن متصاعد شود و موجودیتی همچون داعش برآیند آن باشد برای ایران، عراق آرمانی نخواهد بود. از طرفی، عراقی تجزیه شده، که کشورهای کوچک حاصل از آن ابزار رقبای ایران، همچون اسرائیل، ترکیه، عربستان و غیره باشد، نیز محدودساز و آفت منافع ملی ایران است. خطر نشأت گرفته از چنین عراقی چنان است که حتی یکپارچگی سرزمینی ایران را مورد تهدید قرار می دهد. عراق آینده در قالب سناریوی فرصت آفرین در این پژوهش، تشابهات زیادی با عراق امروزی خواهد داشت. امروزه دو اقلیم کردستان و شیعیان عراق بیشترین تعامل با ایران دارند. نیز پیوند استراتژیک کردها و شیعیان در عراق شرایط انزوای عنصر سنی را در عراق مهیا کرده است، اما سرخوردگی سنی مذهببان و برکناری و انزوای آن ها در قدرت سیاسی رایج در عراق، ریزفاکتورهای ژنتیک چالش آفرین در جغرافیای سیاسی عراق را فعال و توانمند کرده است. چنین وضعیتی تقابلات و تعارضاتی در عراق را به وجود آورد که زمینه های پیوند مسائل داخلی با مسائل خارجی را مهیا کرد. نتیجه آن درکنش های صورت گرفته در این فضای مواجه با خلأ قدرت، بروز و ظهور داعش، تداوم بحران و ثبات سیاسی در عراق و تهدیداتی بود و هست، که متوجه امنیت ملی ایران شد.

به عبارت دیگر، تشکیل کشور کردستان در عراق و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تبعاتی از قبیل افزایش تحرکات سیاسی گروه های کرد و نیز تحرکات نظامی شبه گروه های کرد در خاک جمهوری اسلامی ایران (نظیر پژاک، کومله و...)، افزایش مطالبات فرهنگی و سیاسی کردها از دولت مرکزی ایران که با حمایت های کشور کردستان جدا شده از عراق همراه خواهد بود، تحرکات قومی و افزایش آتش اختلافات قومی در ایران، ادعای کردستان مستقل نسبت به مناطق کردنشین ایران، افزایش حضور بیشتر رژیم صهیونیستی و امریکا در کردستان مستقل و در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران، حضور سازمان های جاسوسی در کنار مرزهای سیاسی ایران و... تنها چند نمونه از بازتاب های منفی تجزیه عراق و مرتبط با تشکیل کشور کردستان است.

تشکیل کشوری سنی و منفک از عراق امروزی نیز تبعات و بازتاب‌های پرشماری بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. چنین رویدادی موضع منطقه‌ای و قدرت راهبردی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در صورتی که چنین کشوری شکل بگیرد و در جریان منازعه سوریه، نظامی سلفی - سنی سر برآورد، در آن صورت دامنه نفوذ منطقه‌ای ایران به شدت محدود شده و شرایط و بسترهای بسیار مناسبی برای توسعه نفوذ رقیب منطقه‌ای ایران، یعنی عربستان سعودی فراهم می‌شود. در این بین، سناریو برقراری نظامی فدرال بر مبنای تقسیم مسالمت‌آمیز، عادلانه و دموکراتیک قدرت در این کشور به صورتی که رضایت و اقباع اقلیت سنی نیز به دنبال داشته باشد، مطلوب‌ترین سناریو برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. گرچه قبل از تحولات و بحران عراق این سناریو به نوعی در ساختار عراق وجود داشت و در حال شکل‌گیری و تکمیل بود، ولی پس از شکل‌گیری ناآرامی‌ها و اعتراضات مداوم در مناطق سنی نشین، انتقال و سرریز بحران سوریه به عراق، این سناریو با چالش مواجه شد. کما اینکه بروز اختلافات بین حکومت مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان عراق بر سر قلمروهای آزاد شده از سیطره داعش (به-خصوص کرکوک)، میزان نفوذ و حضور نیروهای حشدالشعبی در موصل و دیگر مناطق سنی و... از مواردی هستند، که نظم چیره شده پس از تصویب قانون اساسی در عراق را با چالش مواجه خواهد ساخت؛ بنابراین، تلاش برای احیای سناریوی استقرار یک نظام فدرال کامل در عراق، لازم است در رأس استراتژی‌های ژئوپلیتیک ایران در رابطه با عراق قرار گیرد.

کتابنامه

الف- کتاب

۱. اکبری، حسین، ۱۳۸۸، بحران حاکمیت در عراق، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، نوبت یکم
۲. آریان‌پور، کاشانی، ۱۳۶۳، فرهنگ لغت انگلیسی، تهران: نشر امیرکبیر، نوبت نهم
۳. برزگر، کیهان، ۱۳۸۵، سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجتمع تشخیص مصلحت نظام، نوبت یکم
۴. بوزان، باری، ۱۳۷۸، امنیت ملی در جهان اسلام، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده راهبردی، نوبت اول
۵. بوفر، آندرو، ۱۳۶۶، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه: مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، نوبت دوم
۶. بهمنی، مهدی، ۱۳۸۷، شیعیان عراق از انزوا تا حاکمیت، عراق نوین و تحولات خاورمیانه، محل نشر: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نورتهران، نوبت دوم
۷. جمراسی فراهانی، علی اصغر، ۱۳۷۴، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: نشر مدیریت دولتی، نوبت اول
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۸۵، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۹. خلیلی، رضا، ۱۳۸۶، مطالعات امنیتی، سیر تحول تدوین راهبرد، تهران: نشر پژوهشکده فارابی، نوبت دوم
۱۰. دارمی، سلیمه، ۱۳۸۸، خاورمیانه ۷ ویژه تحولات عراق، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، اسفند ۸۸ نوبت اول
۱۱. ساوه درودی، مصطفی؛ عباسی، محمد، ۱۳۸۶، مطالعات امنیتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه مطالعات کاربردی فارابی، نوبت اول
۱۲. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۴، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.
۱۳. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۲، ژئواستراتژی، تهران: سمت، چاپ هفتم
۱۴. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۶، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در فرایند جهانی‌شدن، تهران: نشر نی، نوبت سوم
۱۵. کریمی‌پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری، تهران: نشر دانش‌پویان جوان، چاپ سوم.

۱۶. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۷۹، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، محل نشر: تهران. انتشارات جهاد دانشگاه تربیت‌معلم، چاپ اول.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، نوبت دوم
۱۸. نامی، محمدعلی؛ محمدپور، علی، ۱۳۸۷، جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.

ب- مقالات

۱۹. ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، محل نشر: تهران. ناشر: موسسه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صفحه ۱۲۳-۱۵۰.
۲۰. اخوان‌کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه، (۱۳۹۰)، «کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، محل نشر: تهران. ناشر: موسسه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۶۰، شماره صفحات ۱۴۱-۱۶۸.
۲۱. پورسعید، فرزاد، (۱۳۸۹)، «برآورد استراتژیک عراق آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی، محل نشر: تهران، ناشر: موسسه مطالعات راهبردی سال سیزدهم، شماره اول، شماره صفحات ۱۷۷-۲۱۲.
۲۲. تاج‌آبادی، حسین؛ دهنوی، مهدی، (۱۳۹۳)، «فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، محل نشر: شهرضا، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۱۸، شماره صفحات ۱۵۵-۱۸۸.
۲۳. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی، مراد، (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، محل نشر: اصفهان. ناشر: دانشگاه اصفهان شماره ۱، شماره صفحات ۱۵-۴۶.
۲۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، محل نشر: تهران، ناشر: انجمن جغرافیایی ایران. شماره ۸۴، شماره صفحات ۵-۳۶.
۲۵. حیدری‌عبدی، احمد، (۱۳۷۸)، «اتحادیه منطقه‌ای خلیج فارس موانع و مشکلات شکل‌گیری»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، محل نشر: تهران. ناشر: موسسه اطلاعات. شماره‌های ۱۴۵ و ۱۴۶، شماره صفحات ۵۰-۵۹.

۲۶. خسروی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، محل نشر: تهران ناشر موسسه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، شماره صفحات ۱-۲۵
۲۷. خلیلی، محسن و همکاران، (۱۳۹۱)، «مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، محل نشر: تهران، ناشر: دانشگاه شاهد. سال اول، شماره سوم، شماره صفحات ۱۷-۴۴
۲۸. خلیلی، محسن و همکاران، (۱۳۹۲)، «ژنگان ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، سنجش همگرایی/واگرایی درون منطقه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک سوات»، فصلنامه راهبرد، محل نشر: تهران. ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. سال بیست و دوم، شماره ۶۸، شماره صفحات ۱-۱۰
۲۹. دوست‌محمدی، احمد؛ العبان، احمد؛ سالم، محمد، (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر گروه‌های شیعه بر عدم موفقیت طرح خاورمیانه جدید»، فصلنامه سیاست، محل نشر: تهران ناشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره صفحات ۶۷۷-۶۵۵
۳۰. رمضان‌زاده، اکبر، (۱۳۸۹)، «روابط ایران و عراق پس از پایان جنگ مسائل و تحلیل‌ها»، ماهنامه نگاه، محل نشر: تهران. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، شماره ۱۶-۱۵، شماره صفحات ۲۳-۲۹
۳۱. زیباکلام، صادق؛ عبدالله‌پور، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق»، فصلنامه سیاست، محل نشر: تهران ناشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دوره ۳۹، شماره ۴، شماره صفحات ۴۷-۶۲
۳۲. شریفیان، جمشید؛ همایونی، محمدرضا؛ ملکی، بهروز، (۱۳۹۳)، «حاکمیت شیعی عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت پژوهی، محل نشر: تهران، ناشر: دانشگاه فارابی، سال سیزدهم، شماره ۴۸، شماره صفحات (محرمانه ص ۲)
۳۳. عزتی، عزت‌الله؛ ناتو، سهیلا، (۱۳۹۰)، «بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، محل نشر: تهران ناشر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، سال هشتم، شماره ۲۹، شماره صفحات ۱۱-۲۴
۳۴. قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیک امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، محل نشر: تهران. ناشر: انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال ششم، شماره دوم، شماره صفحات ۵۷-۹۴

۳۵. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، «بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، محل نشر: تهران ناشر: موسسه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، شماره صفحات. ۶۱-۸۷
۳۶. غرایق‌زندی، داوود، (۱۳۸۹)، «فرایند ملت - دولت سازی، شکل‌گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی، محل نشر: تهران ناشر: موسسه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، شماره صفحات. ۵-۳۵
۳۷. کاظمی‌پور، شهلا، (۱۳۷۶)، «جمعیت و امنیت ملی»، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، محل نشر: تهران. وزارت کشور، شماره صفحات. ۷۷-۸۷
۳۸. کریمی پاشاکی، سجاد، (۱۳۹۱)، «چشم‌اندازهای سیاسی در تحلیل جغرافیای فضای مجازی»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن جغرافیای سیاسی، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، شماره صفحات. ۱۰۹-۱۱۹
۳۹. کریمی‌پور، یدالله و همکاران، (۱۳۹۳)، «استراتژی ژئوپلیتیک و سد نفوذ دولت اسلامی در عراق (داعش)»، کنگره بین‌المللی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: ناشر موسسه امام موسی کاظم، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۳، شماره صفحات. ۵۶-۶۵
۴۰. کریمی‌پور، یدالله و همکاران، (۱۳۹۳)، «مدل تحلیلی شکل‌گیری و پویای داعش بر اساس نظریه‌های آشوب و فراکتال»، کنگره بین‌المللی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: ناشر، موسسه امام موسی کاظم ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۳، شماره صفحات. ۵۹۰-۶۰۳
۴۱. مرادیان، محسن، (۱۳۹۰)، «مدل‌سازی ریاضی برای سنجش امنیت خارجی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، محل نشر: تهران ناشر: انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال هفتم، شماره اول، شماره صفحات.
۴۲. منتظران، جاوید؛ قربانی، سعید، (۱۳۹۵)، «سناریوهای پیش روی تحولات ژئوپلیتیکی و تمامیت ارضی عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، جلد دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۹۵، شماره صفحات. ۳۵۰-۳۶۴
۴۳. یزدانی، عنایت‌الله؛ شیخون، احسان، (۱۳۹۲)، «بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش‌یابی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس (با تأکید بر تئوری سبیرنتیک)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، محل نشر: مشهد ناشر: پژوهشکده امیرکبیر، سال ۲۸، شماره ۳، شماره صفحات. ۵۵-۷۲

ج- پایان نامه

۴۴. سالارنژاد، مؤمن، (۱۳۸۹) تأثیر الگوی نظام سیاسی فدرال احتمالی عراق بر امنیت داخلی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی.

۴۵. سجادی، مرضیه، (۱۳۹۲)؛ همگرایی و واگرایی ایران و عراق جدید؛ سنجش وزن ایدئولوژی و منافع (۲۰۱۳-۲۰۰۳)، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی، تهران: دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۴۶. کریمی پور، یدالله، (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

د- انگلیسی

47. Baram, A. (1997), "Neo- tribalism in Iraq: Saddam Hussein's tribal policies 1991-96", *International Journal of Middle East Studies*, vol. 29, No. 1, pp.1-31.

48. C. Troll (1949): *Geographic science in Germany during The Period 1933-1945*, *American Geographers* Vol. 39, No. 2 (Jun., 1949), pp. 99-137.

49. Dodge, T. (2003), *Inventing Iraq: The Failure of Nation Building and a History Denied*, New York: Columbia University Press.

50. Haj, S. (1997), *The Making of Iraq, 1900-1963: Capital, Power, and Ideology*, Albany: State University of New York Press.

51. Stansfield, G. (2007), *Iraq: People, History, Politics*, Cambridge: Polity Press.

52. Zubaida, S. (2002), "The fragments imagine the nation: the case of Iraq", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 34, No. 2, pp. 205-215.

